



امارت اسلامی افغانستان

وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ریاست ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابت روز جمعه

و تقریر و بیان تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات

به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۲۳ / صفر / ۱۴۴۵ هـ، ق موافق ۱۷ / سنبله / ۱۴۰۲ هـ، ش

ضرورت، حکم و طریقه استسقاء (طلب باران)

إن الحمد لله نحمده ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا، وسيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل فلا هادي له، وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله وأمينه على وحيه، وحجته على عباده، وخيرته من خلقه، صلى الله عليه وعلى آله وصحبه وسلم تسليماً كثيراً.

قال الله سبحانه وتعالى: { فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً . يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً . وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً . مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَاراً } نوح: (۱۰-۱۳)

تعريف استسقاء:

استسقاء در لغت طلب کردن آب را گویند.

و در اصطلاح طلب باریدن باران است به طور مخصوص و در وقت ضرورت، و آن اینکه باران بند شود مردم چاه ها و دریاها نداشته باشند که از آن آب بنوشند، حیوانات خود را سیراب کنند، کشت و زراعت خود را آبیاری کنند و یا اینکه چاه ها و دریاها موجود می باشد، ولی آب آنها کفایت نمی کند. حاشیة ابن عابدین (۱۸/۲)

ضرورت استسقاء (طلب باران کردن):

آب نعمت بزرگ الله تعالی است و زندگی تمام مخلوقات تعلق به آب دارد، چنانچه الله تعالی فرموده است:

{ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ } {الأنبياء: (۳۰)}

ترجمه:- و هر چیز زنده را از آب آفریدیم آیا پس ایمان نمی آورند.

آب زمین از آسمان فرود می آید و در سطح زمین ذخیره میشود و از آن تمام مخلوقات زنده مانند: حیوانات، چهار پایان، مرغان، نباتات، گیاهان سر سبز، حشرات، زنده جان و انسانها فائده میگیرند.

باران رحمت الله تعالی است هر وقت به آن نیاز است، زیرا که زندگی هر نفس تعلق به آب دارد.

منبع آب در زمین باران و برف است، اگر باران نشود مسئله هویدا است که آب در زمین کم می شود، و به باران در این صورت ضرورت بیشتر پیدا می شود و اگر باران بند شود انسانها، حیوانات، پرندگان، نباتات و تمام زنده جان به کمی و نبود آب مواجه میشوند.

الله تعالی از نعمت آب در قرآن کریم چنین تذکر نموده است: {وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا . لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا} الفرقان: (۴۸-۴۹)

ترجمه:-- او آن کسی است که میفرستد باد هارا مژده رسان، پیشاپیش باران رحمتش وما هستیم که از آسمان آب پاکی را فرو می ریزیم، تا به وسیله آن آب سرزمین مرده را زنده سازیم وبه مخلوقات خود از آن جمله چهار پایان ومردمان بسیاری آنرا بنوشانیم.

و در رابطه به اینکه آب نعمت است الله تعالی فرموده است که آورنده باران من هستم اگر من آب را توسط زمین فرو ببرم پس کسی هست که آب شریین به شما بدهد؟.

{قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ} الملك: (۳۰)

ترجمه:-- بگو به من خبر دهید اگر آب مورد استفاده تان در زمین فرو رود پس چه کسی برای شما آب روان می آورد. در بعضی اوقات به طور آزمایش ویا هم از جهت سرکشی وفساد انسانها الله جل جلاله باران رحمت خود را بند میکند که به همین خاطر زمین به نبود آب وخشکسالی روبرو میشود، وزمین و دشت ها نیز خشک میگردد، ذخیره آب در کوه ها، بحرها، جوچه ها و در یاها کم میشود، آب چاها نیز کم شده ودر بعضی حالات خشک میشود؛ واز همین جهت زندگی همه انسانها، حیوانات اهلی وغیر اهلی به قحطی روبرو میشوند واز نعمت الله تعالی محروم میگرددند. چنانچه الله تعالی فرموده است: {وَتَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ} الأنبياء: (۳۵)

ترجمه:-- وشمارا به سختی وآسودگی کاملاً می آزمائیم وبسوی ما بازگردانده میشود.

الله تعالی در مورد بند شدن باران چنین فرموده است: {وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ} المؤمنون: (۱۸)

ترجمه:-- وما از آسمان آب ارزشمندی را به اندازه لازم فرو ریخته ام ، پس آنرا در زمین جای دادیم وشکی نیست که ما بر دور ساختن آن توانائیم.

اگر ما به حالت کنونی متوجه شویم در می یابیم که در اکثر ولایت های کشور بارندگی نمی شود وچاه ها نیز خشک گردیده است وهمچنان در کوه ها، چشمه ها نیز خشک شده است، اگر خشک نشده باشد آب آن؛ کم شده است.

واین حالتی است که ماباید به خالق خود رجوع کنیم واز الله تعالی برای خطاها وگناهان خود معافی بخواهیم وبسوی پروردگار خویش توبه گار شویم وبه گناهان خود اعتراف نمایم واز ذات الله تعالی طلب باران نمائیم که او متصرف باران آسمانها است.

تا آنکه الله تعالی بالای ما رحم نموده وبالای این سرزمین باران خود را بریزاند، ت دشت ها سر سبز شود، آب سطح زمین پوره شود، چاه ها دوباره زنده شود وآب چشمه ها زیاد گردد ، کشت وزراعت آبیاری شود، وآب دریاها وجوچه ها دوباره زیاد گردد.

این کار و طلب باران بسیار مهم است زیرا که زندگی وآبادی به آن بستگی دارد. از گناهان خود بخشش خواستن و از الله تعالی طلب باران کردن چیزی هست که هود علیه السلام بر آن امر کرده است که برای قوم خود فرمود: {وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ} هود: (۵۲)

ترجمه:-- ای قوم من از پروردگار تان آمرزش بخواهید باز بسوی او باز گردید تا بر شما باران پی در پی بفرستد ونیروی را بر نیروی شما بیفزاید ومجرمانه از حق روی متابید.

در روایاتی آمده است که الله تعالی سه سال باران رحمت را بالای قوم هود علیه السلام بند کرده بود، سپس هود علیه السلام ضرورت باران را احساس کرده و برای قوم خود گفت: از الله تعالی برای محو گناهان خود آمرزش خواسته و از گناهان خود توبه نمائید. [تفسیر قرطبی]

همچنان نوح علیه السلام به قوم خود گفت: اگر شما بسوی الله تعالی باز گردید و از آن از گناهان خود آمرزش بخواهید، الله تعالی بالای شما رحم نموده و باران رحمت خود را از آسمان سرازیر میکند: { فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا . يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا . وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا . مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا } نوح: (۱۰-۱۳)

ترجمه:-- پس به ایشان گفتم از پروردگار خود آمرزش بخواهید چرا که او بسیار آمرزنده است، اگر چنین کنید بر شما باران پر خیر و برکت را پیاپی میفرستد، و شما را به مالهای و فرزندان امداد میکند و برای شما باغهای سر سبز میدهد و برای شما نهرهای پر از آب پدید می آورد؛ شما را چه شده است که به عظمت و شکوه الله معتقد نیستید؟.

در روایات آمده است که هر گاه قوم نوح علیه السلام سخن او را پذیرفتند، الله تعالی باران خود را بند کرد و زنان آنها را چهل سال عقیم گذاشت، چهار پایان آنها هلاک شدند، سر سبزی هایشان تباه شدند، سپس ایشان به نزد نوح علیه السلام مراجعه نموده و از آن کمک خواستند پس نوح علیه السلام برایشان گفت: از گناهان خود توبه گار شوید تا آنکه الله تعالی بالای شما رحم نموده و از آسمان باران رحمت را فرود بیاورد. الجامع لأحكام القرآن (۳۰۲/۱۸)

در این آیات مبارک از برای ما این درس است که ما هم در وقت بند شدن باران آن کاری را انجام دهیم که آنرا هود علیه السلام و نوح علیه السلام برای قوم خود نشان داده و برای قوم خود طلب باران کرده بود.

در یک روایت آمده است: (شکا رجل إلى الحسن الجدوبة فقال له : استغفر الله . وشكا آخر إليه الفقر فقال له : استغفر الله . وقال له آخر . ادع الله أن يرزقني ولدا ؛ فقال له : استغفر الله . وشكا إليه آخر جفاف بستانه ؛ فقال له : استغفر الله . فقلنا له في ذلك ؟ فقال : ما قلت من عندي شيئا ؛ إن الله تعالى يقول في سورة "نوح" : { اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا . يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا } .

الجامع لأحكام القرآن (۳۰۲/۱۸)

ترجمه:-- یک شخص به حسن بصری رحمه الله از خشکسالی شکایت کرد، او برایش گفت: استغفار بگو و شخص دیگر از فقر شکایت کرد برایش گفت: استغفار بگو، و شخص دیگر گفت: که برای من از الله فرزند بخواه ! برایش گفت: استغفار بخواه، شخص دیگر از خشکی باغ شکایت کرد؛ برایش گفت: استغفار بگو. ما برایش گفتیم: همه را گفتید که استغفار بگویند؟ حسن بصری رحمه الله گفت: این را من از خود نگفتم؛ الله تعالی در سوره نوح فرموده است: (اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا . يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا . وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا)

در این شک نیست که عذاب الهی غالباً به اساس گناهان نازل میگردد، بارانیکه بالای قوم نوح علیه السلام و قوم هود علیه السلام بند شده بود، آن هم از جهت گناهان آنها بود و اگر بالای کدام کسی در وازه ای از آسمان بند شود، آنها هم از خاطر گناهان آنها است . الله تعالی فرموده است : {ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ} الروم: (۴۱)

ترجمه:-- تباهی و خرابی در خشکه و دریا به خاطر اعمالی پدیدارگشته است که دستهای مردمان انجام داده اند، تا الله جزای برخی از کارهای را که انجام داده اند به آنها بچشاند، تا از کارهای بد بازگردند.

و درآیه مبارک دیگری آمده است: { وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ } الشوری: (۳۰)

ترجمه:-- و آن مصیبت و بلائی که به شما میرسد به سبب گناہانی است که دستهای شما انجام داده است و از بسیار از گناہان شما در گذر میکند

قوتهای کفری مصروف اند که سلاح های کشتار جمعی بسازند و گاز های گلخانه ای تولید کنند و در این کار خود تلاشهای خستگی ناپذیر را انجام میدهند و در این راستا یکی به دیگر سبقت میگیرند، پس گراف گرمای زمین رو به افزایش است، این همانجایی است که الله تعالی میفرماید: چیزی که به شما از عذاب میرسد نتیجه اعمال بد شما است، البته وقتیکه عذاب الهی فرا رسد باز مردمان صالح و غیر صالح در آن یکسان می باشند.

بنام ما مسلمانان که به پروردگار خود عقیده داریم، باید در وقت سختی ها و مشکلات به خالق و ذات مدبر خود رجوع نموده و توبه نمائیم، زیرا که الله تعالی به توبه کردن ما امر کرده است. { وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ } التور: (۳۱)

ترجمه:-- وای مومنان همه به سوی الله توبه کنید تا رستگار شوید.

در یک حدیث شریف قدسی آمده است: (یا عبادي ، انکم تُخطئون باللیل والنهار ، وأنا أَعْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ، فاستغفروني أَعْفِرُ لکم). صحیح مسلم

ترجمه:-- ای بندگان من! شما شب و روز نافرمانی میکنید و من همه گناہان شما را می بخشم سپس از گناہان خود از من بخشش بخواهید و من گناہان را می آمرزم.

ما اگر برآستی توبه کنیم و گناہان را ترک کنیم، عقیده ما بر این است که خالق آسمان و زمین بالای ما رحم میکند و باران را بالای ما میفرستد، طوری که الله تعالی میفرماید: { وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ } الشوری: (۲۸)

ترجمه:-- و اوست که باران را فرو می ریزد بعد از آنکه مردم از نزول باران نا امید میشوند و رحمت خود را می گسترانند و او کار ساز ستوده شده است.

اسباب قطع و تأخیر باران:

بعضی اسباب تأخیر و بند شدن باران قرار ذیل است:

۱- تکبر و بزرگی کردن در زمین، خود را بالای مردم بزرگ شمردن و به مال، اولاد و منصب افتخار کردن، زیرا باران بالای کسانی نازل میشود که آنها متواضع و عاجزی کننده می باشند.

از همین جهت است وقتیکه پیامبر علیه السلام طلب باران میکردند عاجزی و تضرع را اختیار میکردند.

قال ابن عباس رضي الله عنه: (خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِلْإِسْتِسْقَاءِ مُتَدَلِّلاً، مُتَوَاضِعاً، مُتَخَشِعاً، مُتَضَرِّعاً). سنن الترمذی

ترجمه:-- عبدالله بن عباس رضي الله عنه میفرماید: نبي عليه السلام استسقاء وبه (طلب باران) در حالی بیرون می شدند که حالت عاجزی و تضرع را اختیار می کردند.

۲- گسترش فساد در میان مردم، این فساد به هر شکلی که باشد مانند: تزویر، رشوت، دزدی و خیانت. و یک نمونه از خیانت کمی و کاستی در پیمانۀ ووزن میباشد.

۳- ندادن زکات؛ ندادن مال زکات سبب بندشدن و تأخیر باران میگردد. در حدیث شریف آمده است: (ولم یمنعوا زکاة أموالهم إلا منعوا القطر من السماء، ولولا البهائم لم یمطروا). سنن ابن ماجه

ترجمه:-- منع نمی کنند زکات مال خود را، مگر اینکه منع میشود باران از آسمان، اگر حیوانات نمی بود هیچ وقت بالای ایشان باران نمی شد.

۴- کثرت گناهان و معاصی، این عمل باعث بند شدن باران، خشکسالی و قحطی میگردد. زیرا که گناهان سبب قهر و غضب پروردگار گردیده و الله تعالی رحمت خود را بند میکند، از جهت گناهان انسان ها همه حیوانات از رحمت الله تعالی محروم میشوند.

عمر بن عبدالعزیز رحمه الله میفرماید: (گفته میشود که به اثر گناهان مردم خواص عام مردم عذاب نمیشوند، مگر آنکه منکر عام شود باز همه مردم مستحق عذاب میگردد). الموطأ - (۲ / ۹۹۱)

بلکه به اثر گناهان مردم حیوانات و حشرات هم در معرض آزار قرار میگیرند.

در یک روایت آمده است: عن أبي هريرة رضي الله عنه أنه سمع رجلا يقول: (إن الظالم لا يضر إلا نفسه). فقال أبو هريرة: (بلى والله، حتى الحُبَارَى لَتَمُوتُ في وكرها هزلاً من ظلم الظالم). شعب الإيمان - البيهقي (۶ / ۵۴)

ترجمه:-- از ابوهیره رضي الله عنه روایت است که او از یک مردی شنیده که میگفت: (که ظالم به کس دیگری ضرر رسانده نمی تواند مگر به نفس خود) ابوهیره رضي الله عنه به او گفت: بلی! قسم به الله که (ضرر ظلم ظالم) می رسد به مرغ حُبَارَى که در لانه ای خود می میرند از لحاظ ضعیفی به سبب ظلم ظالم.

یعنی به پرندگان هم ضرر میرسد به اثر ظلم ظالم و قتیکه به سبب ظلم ظالم خشکسالی و قحطی بیاید پس پرندگان هم در لانه های خود می میرند.

حکم استسقاء (وطلب باران):

استسقاء (وطلب باران) به بیان کردن ثنا و صفت الله تعالی و فریاد کردن به او، و به گفتن استغفار در کتاب الله، سنت نبوی و به اجماع امت ثابت است.

۱- کتاب الله: در قرآن کریم استسقاء (طلب باران) به دعای نوح علیه الصلاة والسلام ثابت است که او به قوم خود گفت: {فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا} نوح: (۱۰)

۲- سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم: درباره استسقاء (طلب باران) احادیث زیادی آمده است که چند بار پیامبر علیه السلام به طور مکرر استسقاء کرده است و از الله تعالی به باریدن باران تقاضا کرده است.

۳- اجماع: همچنان بعد از نبی علیه الصلاة والسلام، خلفای راشدین استسقاء و طلب باران کرده اند و امت اسلامی به استسقاء سلفاً و خلفاً اجماع کرده اند. البحر الرائق البحر الرائق (۲/ ۱۸۱)

و در حدیث شریف آمده است: (عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ أَصَابَتِ النَّاسَ سَنَةٌ عَلَى عَهْدِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَبَيْنَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَخْطُبُ فِي يَوْمِ جُمُعَةٍ قَامَ أَعْرَابِيٌّ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْكَ الْمَالُ وَجَاعَ الْعِيَالُ فَادْعُ اللَّهَ لَنَا فَرَفَعَ يَدَيْهِ وَمَا نَرَى فِي السَّمَاءِ قَزَعَةً فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا وَضَعَهُمَا حَتَّى تَارَ السَّحَابُ أَمْثَالَ الْجِبَالِ ثُمَّ لَمْ يَنْزِلْ عَنْ مَنْبَرِهِ حَتَّى رَأَيْتُ الْمَطَرَ يَتَحَادَرُ عَلَى لِحْيَتِهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَمَطَرْنَا يَوْمَنَا ذَلِكَ وَمِنَ الْعَدِ وَبَعْدَ الْعَدِ وَالَّذِي يَلِيهِ حَتَّى الْجُمُعَةِ الْأُخْرَى وَقَامَ ذَلِكَ الْأَعْرَابِيُّ أَوْ قَالَ غَيْرُهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ تَهْدَمُ الْبِنَاءُ وَغَرِقَ الْمَالُ فَادْعُ اللَّهَ لَنَا فَرَفَعَ يَدَيْهِ فَقَالَ اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَلَا عَلَيْنَا). صحیح البخاری-نسخة طوق النجاة (ص: ۲۳)

ترجمه:- از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است او میگوید که به مردم در زمانه پیامبر علیه السلام قحطی رسید، یک بار پیامبر علیه السلام در روز جمعه خطبه ای ایراد میفرمود: و مردم اطراف ایستادشده و گفت: ای رسول خدا! مال و اولاد هلاک شد، برای ما دعا کن، نبی علیه السلام هر دو دستان مبارک خود را بلند کرد در حالیکه در آسمان ابری دیده نمیشد، قسم به آن ذاتی که نفس من در اختیار او هست هر دو دستان مبارک خود را پائین نکرده بود مگر اینکه ابرها پراکنده شد مانند کوه ها و نبی علیه السلام از منبر پائین نشده بود، مگر اینکه ما دیدیم که باران در ریش مبارکش می چکید. به ما در آن روز و فردای آن هم باران شد و در روز سوم هم باران شد تا جمعه آینده، همان اطراف ایستاده شد و راوی میگوید یا شخص دیگری گفت: ای رسول خدا! آبادی ها ویران شده، مالها غرق شدند دعا کن برای ما (بخاطر بندش باران)، نبی علیه الصلاة والسلام هر دو دستان خود را بلند کردند و اینطور گفت: ای الله! باران رحمت به اطراف ما ببار، نه بالای ما.

امام ابن عابدین میگوید که نماز استسقاء مستحب و مندوب است.

(قلت: والظاهر أن المراد به الندب والاستحباب). حاشیة ابن عابدین (۲/ ۱۸۴)

در ظاهر الروایه به نزد امام ابوحنیفه رحمه الله در استسقاء (طلب باران) نماز با جماعت به طور مسنون ثابت نیست، اگر مردم تنها تنها نماز میخوانند باکی ندارد، بلکه استسقاء و طلب باران دعا است طوری که الله تعالی میفرماید: {فقلت: استغفروا ربکم إنه کان غفراً، یرسل السماء علیکم مدراراً} و نبی علیه السلام وقتیکه استسقاء کرده اند از ایشان نماز روایت نشده است، ایشان تنها دعا کرده است. هنگامیکه به نزد امام ابوحنیفه رحمه الله نماز جماعت در استسقاء ثابت نیست خواندن خطبه و (قلب رداء) نیز ثابت نمی باشد، زیرا که سبب استسقاء تنها دعا است. الهدایة شرح البدایة (۱/ ۸۸)

امام اعظم ابوحنیفه رح میگوید در کدام وقتیکه پیامبر علیه السلام استسقاء کرده او تنها دعا نموده است و نمازی اداء نکرده و در کدام روایتیکه نماز ذکر شده آن روایت شاذ است. حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح (ص: ۳۵۹) و به نزد امام محمد و امام ابویوسف رحمهما الله دو رکعت نماز در استسقاء از نبی علیه السلام ثابت است و ابن عباس رضی

الله عنهما از پیامبر علیه السلام نقل کرده است و مناسب است که از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم پیروی شود مانند اداء کردن دو رکعت نماز در روز های عید .

از امام ابویوسف رحمة الله علیه در این باره دو قسم روایت، نقل شده است، در یک روایت امام ابویوسف با امام ابوحنیفه موافق است و در روایت دیگر با امام محمد رح است. اما امام طحاوی میگوید: که امام ابو یوسف با امام محمد هم نظر اند و این سخن صحیح تر است. (وَذَكَرَ الطَّحَاوِيُّ قَوْلَهُ مَعَ قَوْلِ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْأَصْحَحُ) بدائع الصنائع (۱/ ۲۸۲)

امام محمد رح می گوید که نماز استسقاء را مانند نماز عید میدانند که قرأت جهری در آن خوانده میشود و بعد از نماز خطبه خوانده میشود.

امام مرغینانی رحمه الله بعد از ذکر قول امام ابوحنیفه رح میگوید: (قلنا فعله مرة وترکه أخرى فلم یکن سنة)

ترجمه:- ما میگوئیم که نبی علیه الصلاة والسلام بعضی وقت نماز خوانده و بعضی وقت نخوانده است، پس سنت نشد.

امام ابن عابدین میگوید که اختلاف در بین امام اعظم ابوحنیفه و امام محمد و ابویوسف در باره سنت بودن جماعت است نه در مشروعیت آن ، زیرا که نماز استسقاء را با جماعت اداء کردن قائل نیست اما در نفس مشروعیت آن امام ابوحنیفه رح هم قائل است ، البته موقف مصنف الدر المختار مانند امام نسفی است که ایشان میگویند اختلاف میان آنها جماعت در مشروعیت وعدم مشروعیت است.

(وَهَذَا مُوَافِقٌ لِمَا ذَكَرَهُ شَيْخُ الْإِسْلَامِ مِنْ أَنَّ الْخِلَافَ فِي السُّنَّةِ لَا فِي أَصْلِ الْمَشْرُوعِيَّةِ). رد المحتار (۶/ ۱۹۴)

در فتاوی حقانیه آمده است که در این مسئله قول صاحبین قول مفتی به است. فتاوی حقانیه ج ۲، ص: (۵۴)

طریقه استسقاء و طلب باران:

از احادیث شریف استسقاء (طلب باران) سه طریقه معلوم میشود:

۱- علاوه از نماز تنها استغفار و دعا خواستن.

۲- در اثنای خواندن خطبه نماز جمعه طلب باران و دعا کردن، مانند: حدیث فوق که از انس ابن مالک رضی الله عنه روایت شده است.

۳- برای طلب باران مستقل دو رکعت نماز خواندن.

البته طریقه بهتر در استسقاء این صورت است که همه مردم در یک صحرای بزرگ جمع شوند و به بسیار عاجزی و تضرع دو رکعت نماز به جهر بخوانند باز امام به روی زمین ایستاده شده خطبه ایراد نماید بعد از آن رو به قبله ایستاد شده و دعا طلب کنند.

امام زیلعی میگوید: (وَيَسْتَقْبِلُ بِالْدُّعَاءِ الْقِبْلَةَ قَائِمًا وَالنَّاسُ قَاعِدُونَ مُسْتَقْبِلُونَ الْقِبْلَةَ). تبیین الحقائق (۱/ ۲۳۱)

ترجمه:- امام در وقت دعا رو به قبله بگرداند در حالت ایستاده دعا کند در حالیکه مردم رو به قبله نشسته باشند.

به نزد امام محمد امام در خطبه استسقاء مانند خطبه جمعه می نشیند، واز امام ابو یوسف درین مورد دو نوع روایت نقل است، در یک روایتی از امام ابویوسف رح آمده است که امام در خطبه ننشیند و در روایت دیگری آمده است اگر امام یک خطبه بخواند در حالت ایستاده بهتر است .

در تحفة الفقهاء آمده است: (وهل يجلس في خطبة الاستسقاء عن أبي يوسف روايتان في رواية لا يجلس وفي رواية أخرى إن خطب خطبة واحدة قائماً فحسن). تحفة الفقهاء (۱/ ۱۸۵)

به نزد امام محمد و ابو یوسف رح نماز استسقاء مانند نماز جمعه است که جهراً خوانده شود و افضل این است که در رکعت اول { سبح اسم ربك الأعلى } را بخواند و در رکعت دوم { هل أتاك حديث الغاشية } . تحفة الفقهاء (۱/ ۱۸۵) مردم به خطبه امام گوش فرا دهند.

منبر را بیرون نکنند و اگر منبر را بیرون آوردند جواز دارد، اما طریقه مسنونه این است که امام به روی زمین ایستاده و خطبه را بخواند.

ابن نجیم رح میگوید: (وَلَا يُخْرَجُ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ مِنْبَرٌ بَلْ يَقُومُ الْإِمَامُ وَالْقَوْمُ قُعُودًا فَإِنْ أَخْرَجُوا الْمَنْبَرَ جَازًا). البحر الرائق (۲/ ۱۸۲) وقتیکه امام از خطبه فارغ گردید به قصد فالی نیک چادر خود را میگرداند و آن چنین که الله تعالی قحطی را به فراوانی مبدل گرداند و سختی را به آسانی. و طریقه گرداندن چادر در فتاوی عالمگیری اینطور ذکر شده است: (وَصِفَةُ تَقْلِيْبِ الرِّدَاءِ إِنْ كَانَ مُرَبِّعًا جَعَلَ أَسْفَلَهُ أَعْلَاهُ وَأَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ وَإِنْ كَانَ مُدَوَّرًا جَعَلَ الْجَانِبَ الْأَيْمَنَ عَلَى الْأَيْسَرِ وَالْأَيْسَرَ عَلَى الْأَيْمَنِ). الفتاوى الهندية (۱/ ۱۵۴) اگر چادر چهار کنجه بود ، طرف پائین آنرا بالا بگرداند و طرف بالای آنرا پایان بیاورد و اگر چادر گرد بود پس طرف راست آنرا به طرف چپ بگرداند و طرف چپ آنرا به طرف راست بگرداند .

وقتیکه امام از گرداندن چادر فارغ شد ؛ پس امام و مردم همه دستان خود را به سوی آسمان بلند کرده و حمد و ثنای الله تعالی را گفته و استغفار بگویند و از الله تعالی به بسیار عاجزی و تضرع طلب باران کنند و کوشش کنند که صدقه و خیرات بدهند تا اینکه الله به اساس مهربانی خود باران را فرو آورد.

نبی علیه الصلاة والسلام به این اندازه دستان خود را در جای دیگری بلند نکرده طوری که در استسقاء بلند کرده است.

در فتاوی حقایق آمده است که در نماز استسقاء دستها را سر چپه گرفته طلب دعا کنند، از جناب رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است، از این جهت فقهای امت در اثنای نماز استسقاء در وقت دعا کردن دست هارا سر چپه گرفتن سنت قرار داده اند.

اگر باران باز هم نشد مستحب است که سه روز نماز استسقاء را اداء کنند و از الله تعالی نا امید نشوند. تحفة الفقهاء (۱/ ۱۸۶) در الباب في شرح الكتاب آمده است: (ويستحب الخروج له إلى الصحراء؛ إلا في مكة وبيت المقدس فيخرجون إلى

المسجد ثلاثة أيام مشاة في ثياب خلقة غسيلة متذللين متواضعين خاشعين لله تعالى ناكسين رءوسهم مقدمين الصدقة كل يوم قبل خروجهم، ويحددون التوبة، ويستسقون بالضعفة والشيوخ والعجائز والأطفال). الباب في شرح الكتاب (ص: ۵۹)

ترجمه:- مستحب این است که در نماز استسقاء به صحرا بیرون شوند علاوه در مکه مکرمه و بیت المقدس، و به سوی مسجد سه روز پیاده بیایند، در لباسهای کهنه که شسته شده باشد و در این حالت متواضع و عاجزی کنان باشند، و به سوی الله تعالی خشوع کننده باشند، سرهای خود را پائین نموده و هر روز پیش از بیرون شدن صدقه کنند و به جدیت توبه نمایند و استسقاء را همراهی ضعیفان، پیرمردان و اطفال نمایند.